



در همان سال در تبریز مصور شد وجود دارد.
(کتابخانه‌ی موزه انگلیس، لندن)

اما دوران شکوفایی حقیقی نقاشی پیش از صفویه‌ی تبریز مربوط به حکومت یعقوب بیگ آق‌قویونلو است که موفق شد حکومت تبریز را از چنگ خلیل بیگ بیرون آورد. مینیاتورهای خمسه نظامی متعلق به اواخر قرن ۱۵ و نیز تعدادی مینیاتور مجزای گلچین شده از نسخه‌ی خطی، متعلق به دوران اوست. یعقوب بیگ که در ادبیات و هنر، مردی فاضل و مشوق جامی بود، دو تن از استادان برجسته‌ی مکتب تبریز، شیخی و درویش محمد را استخدام کرد تا در کتابخانه‌ی او مشغول به کار شوند. اسامی آنها در (شماره‌های ۲۱۵۳ و ۲۱۶۰) ذکر شده است.

۱. خمسه یعقوب بیگ که در سال ۱۴۸۱ خلق شد، معروف‌ترین اثر زمان حکومت اوست. در طی سال‌های حکومت او (۹۰-۱۴۷۷) بر تبریز ده مینیاتور پدید آمد. در مجموعه‌ی Keir لندن سه عدد از این مینیاتورها وجود دارد. یکی از این مینیاتورها «خسرو در قصر شیرین» مربوط به اواخر قرن ۱۵ است. دو تای دیگر «سراب» و «خودکشی شیرین» مربوط به مرحله‌ی دوم مصورسازی نسخه‌ی خطی است که در اوایل قرن ۱۶ آغاز شد. این مینیاتورها با چشم‌اندازی شگرف در حالی که شخصیت‌ها در آن پنهان‌اند ترسیم شده‌اند. در شخصیت بهرام‌گور که در حال بازدید از کاخ‌های هفت‌گانه است، محققان خود یعقوب بیگ - فردی که دستور خلق نسخه‌ی خطی را داد - را می‌بینند.

در مینیاتورهای کاخ‌های سبز و زرد که خاص سبک تبریز است به

وضوح تفاوت بین این سبک و

سبک هرات بهزاد را نمایان می‌سازد. در اینجا روان‌شناسی کمتر به کار رفته است و تغییرات از گونه‌ای به گونه‌ای دیگر کمتر و متناسب و منسجم بوده و از دقت کمتری در نمایاندن جزئیات برخوردار است اما هنرمند با جادوی شگفت چشم‌انداز آن را جبران کرده است. محقق آمریکایی اس.سی.ولش می‌پرسد: «در آنها بیشتر چه چیزی معرف سبک تبریز و چه چیز سبک تیموری است؟ شدت رنگ‌ها؟ انرژی زندگی؟ یا تزیینات؟ به نظر می‌رسد مینیاتورهای تبریز روی صفحه پاشیده شده است.^۱ همه چیز متعالی است.

چنین توصیفی را می‌توان در مورد یک پرتره از آلبوم توپ کاپی Topkapi نیز به کار برد (شماره ۲۱۳۵) که گفته می‌شود پرتره‌ی خود یعقوب بیگ و ملازمان اوست. همه چیز در این تابلو سخن از تعلق آن به دستان هنرمندی دارد که خمسه را در سال ۱۴۸۱ به تصویر کشید. در اینجا مهم‌ترین ویژگی، چشم‌انداز است: گیاهان سرسبز همچون فرشی ضخیم پیکره‌های انسانی را احاطه می‌کنند، همان طور پرشور و پویا و شاخ و برگ درختان شگفت‌انگیزترین شکل‌ها را به هنگام خم شدن ایجاد می‌کنند تا توصیف ولش را از این مجموعه به عنوان «برهوتی هیجان‌انگیز» توجیه کنند.

تحولات دوره‌ی آق‌قویونلو همراه با پیروزی آنها در رقابت‌های سیاسی و سپس تأسیس سلسله‌ی صفویه بود. سرود پیروزمندانه‌ی شاه

بهبزاد

Ojamilya Gasanzade

ترجمه و تلخیص: رضوان ولایتی

تأثیر متقابل سبک‌ها در نقاشی قرن ۱۶ تبریز



اهمیت بهبزاد به عنوان یک مینیاتوربست برای مکتب هرات و نیز برای سایر مکاتبی که متعاقباً در قرن ۱۶ م. تکامل یافتند، غیرقابل انکار است، همان‌گونه که برای تاریخ مینیاتور دوره‌ی اسلامی در مشرق زمین محرز می‌باشد. سبک توسعه داده شده توسط بهبزاد، استادانی را به وجود آورد که قواعد کلی قرن ۱۵ مکتب هرات را به صورت اصولی تغییرناپذیر در سراسر مشرق زمین گسترش دادند.

با این حال، این تأثیر فرهنگی به طور شگفت‌انگیزی

نتایج چندی را به همراه آورد و در هر مورد تأثیر خود را به گونه‌ای متفاوت هویدا نمود که هریک ویژگی‌های خاص خود را برای درک و تفسیر شدن داشت. در آنجا که سبک هرات و نقاشی‌های محلی در ابتدا در کنار یکدیگر بودند و سپس باهم آمیخته شدند، تفسیر منحصر به فردی از اصول مکتب هرات ارائه شد.

در این رابطه، هنرمندان مکتب تبریز، زیباشناسی و تکنیک‌های قرن ۱۵ مکتب هرات را به عنوان پدیده‌ی هنری اصیل و بی‌همتایی یافتند. برای درک بهتر این پدیده، یا به عبارت دیگر نفوذ ترادادهای هرات به سبک صفوی در تبریز سال‌های ۳۰-۱۵۲۰ م. لازم است تصویر روشنی از چگونگی تکامل تدریجی مینیاتور تبریز در دوران پیش از صفویه یا اواخر قرن ۱۵ که همزمان با حکومت سلسله‌ی آق‌قویونلوها بود داشته باشیم. از جمله شرحی بر نقاشی تبریز که به طور مستقل و به موازات فعالیت‌های

خلاقانه‌ی بهبزاد در حال گسترش بود.

گفته می‌شود «اوزون حسن»، بنیانگذار سلسله‌ی آق‌قویونلو، همانند جد بزرگ خود، امیر تیمور، ترجیح داد قصرهایی بسازد و دیوارهای آنها را با صحنه‌های رزم و بزم بیاراید. پسر او «خلیل بیگ» که تنها هشت ماه حکومت کرد، هنردوست فرهیخته‌ای بود که دیوان هدایت به دستور او به زبان آذری در سال ۱۴۶۸ نوشته شد. (Chester Bitty, Doblin) این نمونه‌ی نادر نقاشی مینیاتور، سبکی از نقاشی را نشان می‌دهد که کاملاً با سبک هرات متفاوت است و ریشه در هنر بصری غنی قرن ۱۴ و اوایل قرن ۱۵ تبریز دارد. همچنین کتاب کوچک ارزشمندی مربوط به این دوران با عنوان «گزیده‌ای از آثار شعری» که در Shemakha نوشته و



مینیاتورهای کاخ‌های سبز و زرد که خاص سبک تبریز است به وضوح تفاوت بین این سبک و سبک هرات بهزاد را نمایان می‌سازد

سبک تبریز در آثار اولیه‌ی سلطان محمود، «به خواب رفتن رستم»، «سراب» و «خودکشی شیرین» بیشترین تجلی را یافت (مجموعه‌ی Keir، لندن) تجسم نهایی خود را در یکی از بزرگترین شاهکارهای مینیاتور مشرق زمین «پادشاهی کیومرث» می‌یابد. (مجموعه‌ی Houghton) این اثر بدون از دست دادن قدرت حماسی خود، تحول تکنیکی و اجرای هنری بی‌پدیلی را نشان می‌دهد. طبق گفته‌ی دوست محمد، تمامی هم قطاران وی در مقابل این اثر سر تعظیم فرود می‌آورند. این تابلو یک ترکیب کامل و خلاق از ترادادهای مکتب تبریز و هرات را ارائه می‌داد.

بدیع بودن و خصیصه‌های روان‌شناختی آن فراتر از آثار بهزاد می‌رود و تأثیر نمایی (دراماتیک) آخرین هنرمند بزرگ - نه تنها در مکتب تبریز بلکه در کل مینیاتور مشرق زمین - حتی در دوران افول حرفه‌ی خود، در سال ۱۵۴۰، رهبری خود را در روند کلی نقاشی با غنی کردن آن از طریق موفقیت‌های جدید تصریح می‌کند. این امر به بهترین وجه در آخرین شاهکار وی «معراج محمد رسول الله» از مجموعه‌ی «خمس» که در سال‌های ۴۳-۱۵۳۹ خلق شد، اثبات شد. (موزه انگلستان، لندن)

وجودش احتیاج بود و شاه گمان می‌کرد پیرمردی است که زندگی سراسر معصومیتی را سپری کرده است. او مریدان خوبی تربیت نمود...»^۲

بنابراین تبریز سال‌های دهه ۱۵۲۰، اولین نمونه‌های سبک تیموری هرات قرن پیش از خود را خلق کرد. بارزترین نمونه‌ی آن گوی چوگان است که در سال ۱۵۲۴ توسط Arifi (کتابخانه سن پترزبورگ) به تصویر کشیده شد و طهماسب میرزا که در آن زمان هنوز ولیعهد بود، از آن نسخه‌برداری کرد. به نظر می‌رسد یک diptych که در آغاز نسخه‌ی خطی به «قاضی جهان» - مشاور طهماسب - تقدیم شده توسط شخص بهزاد به تصویر کشیده شده است.

نکنه بارزتر مشارکت بهترین شاگرد او، شیخ‌زاده است که بر روی تعدادی از نسخه‌های دستی سال‌های ۲۹-۱۵۲۰ کار کرد. به عنوان مثال، به نظر می‌رسد از ۱۵ مینیاتور خمس که تا سال ۱۵۲۵ به تصویر کشیده شدند، ۱۴ تایی آنها برداشتی از سبک بهزاد است. در دیوان «نوابی» که در سال ۱۵۲۷ نوشته شد ۶ اثر از ۷ اثر موجود توسط او خلق شد. بهترین آثار او در سبک تبریز «صحنه مسجد» از دیوان حافظ است، (موزه‌ی هنر Fogg، مجموعه‌ی Cartier سابق) که در آن موفق شد از قرینگی و ترسیم‌گرایی صوری دوری کند و تلاش نمود تا روح زندگی و پویایی را در شخصیت‌هایش بدمد.

در همین سال‌ها، یکی از بلندپروازانه‌ترین طرح‌ها در تاریخ نقاشی مینیاتور آغاز شد - «شاهنامه» برای طهماسب (مجموعه‌ی Rothschild سابق، مجموعه‌ی A.Houghton فعلی آمریکا). به تدریج آن دسته از هنرمندانی که در گسترش ترادادهای مکتب هرات بر طبق واقعیات جدید در هنر ناتوان بودند از صحنه عمل حذف شدند. پس از دیوان حافظ هیچ‌کدام از آثار شیخ‌زاده در آثار تبریز در آن سال‌ها یافت نمی‌شود و تنها در سال ۱۵۳۸ در «هفت منظر» هاتفی که در بخارا نسخه‌برداری شده بود نام او دوباره پدیدار شد.

«شاهنامه» (مجموعه Houghton) با ۲۵۸ مینیاتور خود تأثیر دوگانه و ادغام و تجزیه‌ی دو تراداد قدرتمند نقاشی که نقطه‌ی اوج نقاشی تبریز در زمان صفویه است را منعکس می‌کند. تکمیل این اثر ۲۰ سال به طول انجامید.

پی‌نوشت‌ها:

1. Welch S.C.A King's Book of Kings. NO.4, London, 1972, P.37
2. Robinson B.W.A Survey of Persian Painting. In: Art et sociht dans Le Dmonde musulman. Paris, 1979, P.46.
3. Welch S.C., Ibid, P.51.
4. Akimushkin O.F.Zametki K biografii kamaledina Bekhzada. Pis' mennaiye Pamyatniki i Probllemy Iskusstva i kul'tury naro dov vostoka. Moscow, 1978, PP.9-10.



در مینیاتورهای کاخ‌های سبز و
 زرد که خاص سبک تبریز
 است، روان‌شناسی کمتر به
 کار رفته و تغییرات از
 گونه‌ای به گونه‌ای دیگر
 کمتر و مناسب و منسجم و
 از دقت کمتری در
 نمایاندن جزئیات
 برخوردار است. اما
 هنرمندبا جادوی
 شگفت چشم‌انداز آن
 را جبران کرده است.

اسماعیل جوان در سال ۱۵۰۲ با تاجگذاری او پایان می‌یابد. از وی اغلب به عنوان اولین پادشاه ایرانی که بر یک امپراتوری یکپارچه ایرانی (از زمان آخرین پادشاه ساسانی حدود ۸/۵ قرن پیش از آن) حکومت می‌کرد، یاد می‌شود.^۲ او آشکارا خط‌مشی عرفانی را که از نقطه نظر صراحت هم مرز با ارتداد می‌دانستند، در پیش گرفت. روح آرمان‌گرایانه‌ی شعرهای او که به زبان آذری نوشته شده با نقاشی‌های ۲۵ ساله‌ی آغازین قرن ۱۶ تناسب دارد. از جمله با آثار درخشانی چون مینیاتورهای سری دوم «خمسه یعقوب بیک» مثل گلچین «سراب»، «خودکشی شیرین» و مینیاتوری از نسخه‌ی خطی گمشده‌ای

از شاهنامه با عنوان «به خواب رفتن رستم» که در اوایل قرن ۱۶ به تصویر کشیده شد. ولش این مینیاتور را همسو با طبیعت آرمان‌گرا و شخصیت شاه اسماعیل می‌داند که در اشعار او بیان شده و می‌تواند همانند بهترین‌های خمسه‌ی یعقوب بیک به عنوان یکی از اولین آثار سلطان محمود مورد توجه قرار گیرد.

بیان «به خواب رفتن رستم» فوق‌العاده است. هنرمند به هیچ وجه به قهرمان خود یا توسن وفادارش، رخس که در حال جنگ با شیر است علاقه‌مند نیست، بلکه این تأثیر عاطفی اثر است که در اینجا به حد‌اعلای خود می‌رسد. هیچ کدام از عناصر طبیعت ساکن نیستند. هر برگ، هر پهنک سبزه و هر ساقه‌ی کوچک در ریتمی هماهنگ در جنب و جوش‌اند. رنگ‌های غنی - سبز، قرمز مایل به قهوه‌ای، صورتی، سرخ و یاسی - تعلیق و انتظار را تا حد خلسه ارتقا می‌دهند.

برگ جدیدی از تاریخ ۳۰۰ ساله‌ی مینیاتورهای مکتب تبریز با انتصاب بهزاد به عنوان رییس کتابخانه گشوده شد. از آنجا که ماجرای پناه بردن وی به کلیسا در طول نبرد چالدران چیزی جز یک افسانه‌ی زیبا نیست، انتصاب او یک حقیقت مسلم است. به نظر می‌رسد اگر بهزاد زودتر

به تبریز آمده بود، آثار او زودتر تأثیر خود را می‌گذاشت.

در آن زمان، استاد در دوران اوج شکوفایی استعداد خود نبوده است و هیچ کدام از آثار وی که متعلق به آن دوره باشند، باقی نمانده است. تابلویی از یک Tondo که در حال به تصویر کشیدن پیرمرد و جوانی است (گالری فریر Freer واشنگتن) و به بهزاد نسبت داده شده، مسلماً از سطح پایین‌تری نسبت به دیگر آثار او برخوردار است. در این مورد، مؤلف با ولش هم عقیده است که: «اگرچه قاضی احمد اشاره‌ای به شرکت بهزاد در مصورسازی خمسه برای طهماسب اول می‌کند، اما نقش اصلی او در تبریز بیشتر به عنوان یک مربی است تا یک هنرمند در حال کسب تجربه.»^۳

این دیدگاه در نقل قولی از قزوینی که توسط آکیموشکین آمده، تأیید شده است: «او از خراسان به دربار آورده شد و چندین سال به عنوان مصاحب شاه خدمت کرد و همیشه پایبند نزاکت بود. تا ۷۰ سالگی زندگی آرامی را پشت سر گذاشت زیرا همیشه به